

زنبورک: نوعی توپ جنگی کوچک که در زمان صفویه و قاجاریه روی شتر می‌بستند.

زَنخَدان: چانه

زنگاری: منسوب به زنگار، سبزرنگ

❖ زوال: نابودی، از بین رفتن

زه: چله کمان، وتر

زه آب: آبی که از سنگی یا زمینی می‌جوشد.

زهد: پارسایی، پرهیزگاری

زهی: آفرین



ژاله: شبنم، قطره‌ای که روی برگ گل یا گیاه قرار می‌گیرد.

ژنده: بزرگ، مهیب

ژیان: خشمگین



ساعده: آن بخش از دست که میان مچ و آرنج قرار دارد.

سالار: سردار، سپهسالار، آنکه دارای شغلی بزرگ و منصبی رفیع باشد،

حاکم

سامان: درخور، میسر، امکان

سایه‌سار: جایی که سایه دارد

❖ سبحان الله: پاک و منزّه است خدا (برای بیان شگفتی به کار می‌رود؛

معادل «شگفتا»).

سبک: در اینجا به معنای فوراً و سریع کاربرد دارد.

سبک‌سری: حماقت و فرومایگی، متضادّ وقار

سبوز: کوزه، ظرف معمولاً دسته‌دار از سفال یا جنس دیگر برای حمل یا

نگه‌داشتن مایعات

سپردن: پای مال کردن و زیر پا گذاشتن، طی کردن، پیمودن

سپهبد: فرمانده و سردار سپاه

ستدن: ستاندن، دریافت کردن

سترگ: بزرگ، عظیم

ستوران: جمع ستور، حیوانات چارپا خاصه اسب، استر و خر

ستوه: درمانده و ملول، خسته و آزار

ستیزه‌روی: گستاخ و پُر رو

سجایا: جمع سجیه، خوفا و عادت‌ها

سختا: بخشش، کَرَم، جوانمردی

سر: رئیس

سرپرزدن: توقّف کوتاه: هرگاه مرغی از اوج، یک لحظه بر زمین نشیند

و دوباره برخیزد، این توقّف کوتاه را «سرپرزدن» می‌گویند.

سرحد: مرز، کرانه

سردمدار: سردسته، رئیس

سرسام: ورم مغز، سرگیجه و پریشانی، هذیان

سرسرا: محوطه‌ای سقف‌دار در داخل خانه‌ها که در ورودی ساختمان به

آن باز می‌شود و از آنجا به اتاق‌ها یا قسمت‌های دیگر می‌روند.

سرشت: فطرت، آفرینش، طبع

سرگین: فضله چهارپایان، مانند اسب و خر

سرور: شادی، خوشحالی

سروش: پیام‌آور، فرشته پیام‌آور، پیامی که از عالم غیب می‌رسد.

سریر: تخت پادشاهی، اورنگ

سزا: سزاوار، شایسته، لایق

سست‌عنصر: جمع سست‌عنصر، بی‌اراده، بی‌غیرت، کاهل

سعد: خوشبختی، متضادّ نحس، اختر سعد: سیّاره مشتری است که به

«سعد اکبر» مشهور است.

❖ سفاهت: بی‌خردی، کم‌عقلی، نادانی

سقله: فرومایه، بدسرشت

سکان: دنباله کشتی، ابزاری در دنباله کشتی برای حرکت دادن کشتی از

سمتی به سمت دیگر

سکندری: حالت انسان که بر اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست

بدهد و ممکن است به زمین بیفتد؛ سکندری خوردن: حالت

سکندری برای کسی پیش‌آمدن

❖ سلانه‌سلانه: آرام‌آرام، به آهستگی

سلسله‌جنبان: محرّک، آن که دیگران را به کاری برمی‌انگیزد.

سلیح: افزار جنگ، ممال سلاح

❖ سمن: نوعی درخت گل، یاسمن

سمند: اسبی که رنگش مایل به زردی باشد، زرده (در متن درس، مطلق

اسب مورد نظر است).

❖ سَموم: باد بسیار گرم و زیان‌رساننده

❖ سنان: سر نیزه، تیزی هر چیز

❖ سندروس: صمغی زردرنگ

سو: دید، توان بینایی

❖ سوءهاضمه: بدگواری، دیرهضمی، هرگونه اشکال یا اختلال در هضم غذا

که معمولاً با سوزش سردل یا نفخ همراه است.

سودا: اندیشه، هوس، عشق، خیال، دیوانگی، اشتیاق

سوداگر: مشتری، خریدار و فروشنده

سور: جشن، عروسی

❖ سورت: تندى و تیزی، حدّت و شدّت

سوله: ساختمان سقف‌دار فلزی

سهم: ترس

سهمگین: هراس‌انگیز، ترس‌آور

❖ سیادت: سروری، بزرگی

سیماب‌گون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای: سیماب: جیوه

سیمینه: منسوب به سیم، سیمین، ساخته‌شده از سیم یا نقره



❖ شائبه: شک و گمان

شاب: بَرُنا، جوان

شاقه: حسّ بویایی

شایق: آرزومند، مشتاق

قرن هفت

سعدی



آثار: گلستان (نثر آمیخته با نظم)، غزل بوی گل و ریحان‌ها (نظم)، بوستان (نظم)
حکایت «شبی در کاروان» و «جاه و جاه» از کتاب گلستان است.
سعدی شیفته غزل «هر نفس آواز عشق» مولوی شد.

نجم‌الدین رازی



اثر: مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد (نثر آمیخته با نظم)
نجم‌الدین رازی معروف به «دایه» است.

سیف فرغانی



اثر: غزل «غرش شیران» (نظم)
سیف‌الدین محمد فرغانی، در قرن ۷ هنگامی که شهرهای ایران در آتش بیداد مغولان می‌سوخست، این شعر را سرود و از رفتار ظالمانه آن‌ها انتقاد کوبنده‌ای کرد.

قرن هشت

مجدخوایی



اثر: روضه خلد (نثر)
گنج حکمت «کاردانی» قسمتی از روضه خلد است.

حافظ



اثر: غزل «مهر و وفا» (نظم)
محتوای غزل «مهر و وفا» عشق و گفتگوی عاشق و معشوق است.

قرن نه

جامی



آثار: بهارستان (نثر آمیخته با نظم)، تحفة الاحرار (نظم)
حکایت «همت» از بهارستان است.
مثنوی «زاغ و کبک» از تحفة الاحرار است.

قرن نه و ده

فخرالدین علی صفی



اثر: لطایف الطوائف (نثر)
حکایت «طرّاران» از این کتاب است.

قرن شش و هفت

محمد عوفی



اثر: جوامع الحکایات و لوامع الرّوایات (نثر)
گنج حکمت «مهمان ناخوانده» از جوامع الحکایات و لوامع الروایات است.

حکیم نظامی گنجه‌ای



آثار: هفت پیکر (نظم)، لیلی و مجنون (نظم)
مثنوی «پرورده عشق» قسمتی از لیلی و مجنون نظامی است.

عطار نیشابوری



آثار: الهی‌نامه (نظم)، منطق الطیر (نظم)، تذکرة الاولیا (نثر)
منطق الطیر از جمله کتاب‌هایی است که حسام‌الدین، شاگرد مولوی، از مولوی خواست مثنوی را به شیوه آن بسراید.

قرن هفت

احمد بن محمد بن زید طوسی



اثر: تفسیر سوره یوسف (نثر)
نثر «جمال و کمال» که قسمتی از این تفسیر است، گاهی دارای سجع می‌باشد.

مولوی



آثار: مثنوی معنوی (نظم)، غزلیات شمس (نظم)، معروف‌ترین رباعی‌سرایان (نظم)، فیه ما فیه (نثر)، داستان «طوطی و بقال» از دفتر اول مثنوی معنوی است.
نام پدر مولانا محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء الدین ولد (بهاء ولد)، نام پسر ایشان سلطان ولد و نام همسر ایشان گوهر خاتون سمرقندی بود.

نام نزدیکان وی صلاح‌الدین زرکوب، حسام‌الدین حسن چلبی بود که از مولوی خواست کتابی به شیوه الهی‌نامه سنایی یا منطق الطیر عطار بسراید که حاصل آن مثنوی معنوی شد.

عطار کتاب «اسرارنامه» خود را به مولوی خردسال هدیه داد و به پدر مولوی گفت: «زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.»
مولوی از مسیر بلخ به مکه و سپس به شام و بعد به قونیه سفر کرد و حدود هفت سال در حلب و شام به تحصیل علوم پرداخت.

در سال ۶۴۲ در سن ۳۸ سالگی با شمس تبریزی آشنا شد که آغاز رابطه عاشقانه مولوی بود. داستان «طوطی و بقال» از دفتر اول مثنوی معنوی است.



حسن تعلیل

آوردن علتی ادبی و غیرواقعی یا غیرعلمی برای امری. این علت معمولاً زیبا و شاعرانه، اما خیالی است.

مثال

پشت‌گوژ آمد فلک در آفرینش تا کند هر زمان پیش‌ت زمین بوس از برای افتخار
 علت انحنای فلک این است که می‌خواهد در مقابل تو زمین را ببوسد. ← که علتی غیرعلمی و غیرواقعی است.

تست

- ۱ کدام گزینه فاقد آرایه حسن تعلیل است؟
- ۱) دردی است در دلم که گر از پیش آب چشم
 ۲) دلم با چشم تر یکرنگ از آن است
 ۳) عجب نیست از خاک اگر گل شکفت
 ۴) تا چشم تو ریخت خون عشاق
- ۲ کدام گزینه فاقد آرایه حسن تعلیل است؟
- ۱) مرا چو آبله بگذار تا شوم پامال
 ۲) باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر
 ۳) گر شاهدان نه دنیی و دین می‌برند و عقل
 ۴) گل مگر لافی زد از خوبی کنون پیش رخت
- ۳ همه گزینه‌ها به جز گزینه دارای آرایه حسن تعلیل است.
- ۱) ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی
 ۲) در راه عشق، بعد منازل حجاب نیست
 ۳) زان رو به کوی دوست گذارم نمی‌فتد
 ۴) کنون که قامت من در پی تو شد چو کمان
- برگیرم آستین برود تا به دامنم
 که پای اشک خونین در میان است
 که چندین گل‌اندام در خاک خفت
 زلف تو گرفت رنگ ماتم
- نمی‌رسد چو به کس فیض از رسیدن من
 پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد
 پس زاهدان برای چه خلوت گزیده‌اند
 عذرخواه از صد زبان زان شرمساران می‌رسد
- زان روی جهانی به جمالش نگران شد
 دوری گمان مبر که بود مانع وصال
 بگرفت اشک دیده من رهگذار من
 دل مرا هدف ناوک بلا کردی

پاسخ

- ۱- گزینه ۱
 گزینه (۲): یکرنگی دل با چشم تر خونین به دلیل خون گریه کردن است.
 گزینه (۳): علت شکفتن گل را از خاک، مدفون بودن زیباییان در خاک می‌داند.
 گزینه (۴): علت سیاهی موی معشوق این است که چشم معشوق عاشق را کشته، پس زلفش به نشانه عزا رنگ ماتم گرفته!
- ۲- گزینه ۱
 گزینه (۲): علت باران حیای ابر از چهره توست.
 گزینه (۳): علت گوشه‌گیری زاهدان ترس از این است که زیباییان، دنیا و دین و عقلشان را ببرند.
 گزینه (۴): علت شرمساری گل با صد زبان (گلبرگ‌ها)، ادعای زیبایی در مقابل معشوق است.
- ۳- گزینه ۲
 گزینه (۱): علت نگاه کردن مردم به ماه این است که زیبایی خودش را از زیبایی تو گرفته است!
 گزینه (۳): چون اشک‌هایم جلوی دید مرا گرفته‌اند، نمی‌توانم به طرف خانه یار بروم!
 گزینه (۴): علت خم شدن قامت و چون کمان شدن این است که معشوق دل را هدف قرار دهد!

آرایه‌های «جناس، مجاز، حس آمیزی، کنایه، حسن تعلیل» به ترتیب در کدام ابیات وجود دارد؟

- الف) ریخت خون خلق و می‌سازد به جولان پایمال
 ب) کس ندیدم که تلخی نشنیدیم ازو
 ج) از کوی تو چون باد برآشستم و رفتم
 د) سیل در هامون، صدا در کوه، می‌دانی چه بود؟
 ه) گر گشتنیم باری هم دست تو و تیغ
- ۱) الف، ب، د، ه، ج ۲) الف، ه، ب، ج، د ۳) ج، ب، ه، د، الف ۴) ج، ه، ب، الف، د

آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای بیت تماماً درست است.

- ۱) شکل زلف چو زتار بتم پیدا شد/ پیر ما خرقة خود چاک زد و ترسا شد (استعاره - کنایه)
 ۲) جان در مقام عشق به جانان نمی‌رسد/ دل در بلای درد به درمان نمی‌رسد (تشبیه - موازنه)
 ۳) گل مگر لافی زد از خوبی کنون پیش رخت/ عذر خواه از صد زبان زان شرمساران می‌رسد (حسن تعلیل - تشخیص)
 ۴) درمان دل، وصال حال و جمال است و این دو چیز/ دشوار می‌نماید و آسان نمی‌رسد (تضاد - لفت و نشر)

آرایه‌های تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- ۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست
 ۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باده ده
 ۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده
 ۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید

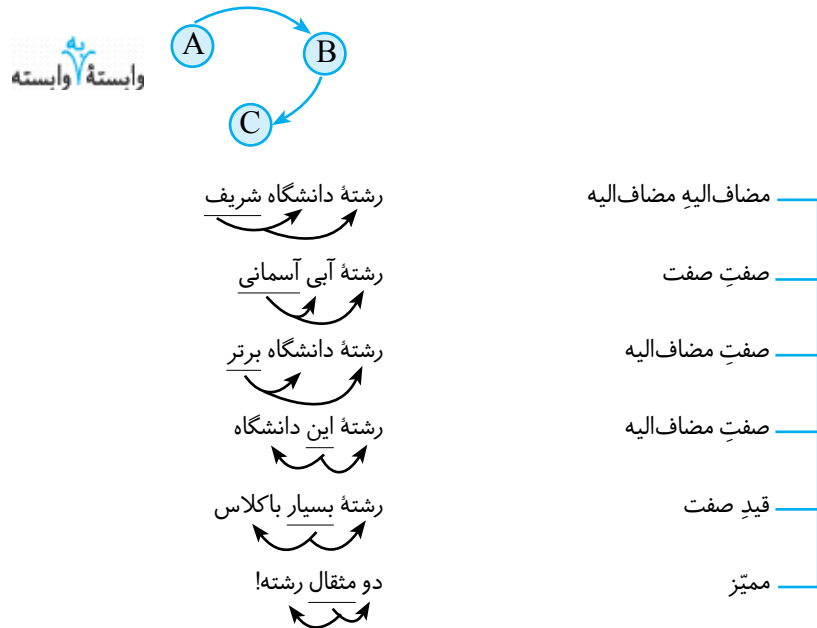
آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه تماماً درست است؟

- «حال، گویاست اگر تیغ زبان گویا نیست شکوه و شکر به فرمان زبان تنها نیست»
 ۱) متناقض نما - جناس - حس آمیزی - اسلوب معادله
 ۲) استعاره - پارادوکس - تشبیه - تضاد
 ۳) تشبیه - تکرار - تضاد - استعاره
 ۴) تشخیص - تکرار - جناس - حسن تعلیل

چند کلمه ایهام‌خیز



وابسته وابسته



نکته ✓ ممیزها همان واحدها هستند، به شرط آنکه قبل از آن‌ها صفت شمارشی (یا چیزی به جای آن) بیاید و بعد از آن‌ها هسته. بعضی از واحدها عبارت‌اند از:

فرش ← تخته
خانه ← باب
انسان، شتر، نخل ← نفر

وزن ← کیلو، تن، گرم، ...
توپ جنگی ← عزاده
شیشه ← جام

✓ مضاف الیه صفت نداریم. چرا که صفت نمی‌تواند مضاف الیه بگیرد؛ چون «مضاف» باید اسم باشد، نه صفت.

برای وابسته‌های وابسته

فرمول

مهم‌ترین نکاتی که برای وابسته‌های وابسته لازم است در این فرمول قرار دارد:

- ۱- گروه‌های سه کلمه‌ای به بالا را بررسی می‌کنیم. ← مربوط به همه وابسته‌های وابسته
- ۲- اگر گروه با وابسته‌های پیشین شروع شده بود (به‌جز در ممیز) وابسته پیشین را حذف می‌کنیم. ← مربوط به مضاف الیه مضاف الیه و صفت مضاف الیه
- ۳- اگر دومین کلمه گروه، صفت بیانی بود (به‌جز در صفت صفت) آن صفت بیانی را حذف می‌کنیم.

با دانستن همین نکات، بسیاری از تست‌های کنکور در بحث وابسته‌های وابسته به راحتی قابل حل هستند و این فرمول در حقیقت ما را راهنمایی می‌کند که در میان متن‌ها و گروه‌ها به راحتی به وابسته وابسته برسیم.

مثال

وابسته‌های وابسته در کدام گروه اسمی «تماماً» صفت مضاف الیه است؟

- ۱) آثار گران‌بهای آن مرد - علمای روحانی مشهد - خانواده بزرگ وی
 - ۲) تألیف آن کتب - رشته ادبیات فارسی - مجموعه مقالات فرهنگی
 - ۳) استاد کرسی حافظ - نخستین دانش‌پژوه ادبی - چهار زمینه تألیف
 - ۴) پایان‌نامه دوره دکتری - مجموعه دروس حوزوی - درس مهم قرآن
- جواب: گزینه (۱) حذف می‌شود ← چون «روحانی و بزرگ» دومین کلمه و صفت بیانی‌اند.
گزینه (۳) حذف می‌شود ← چون «نخستین و چهار» وابسته پیشین هستند.
گزینه (۴) حذف می‌شود ← چون «مهم» دومین کلمه و صفت بیانی است.



فصل ششم: جملات پایه و پیرو

جمله‌ای که پس از حرف ربط وابسته‌ساز می‌آید، جمله پیرو (جمله وابسته) و جمله دیگر، جمله پایه (جمله هسته یا جمله اصلی) است.

نکته

- ✓ حروف ربط وابسته‌ساز عبارت‌اند از: که - تا - اگر - زیرا ...
- ✓ حروف ربط همپایه‌ساز (و - یا - اما - ولی ...) جمله مرکب نمی‌سازند، پس جمله پایه و پیرو نیز نداریم.
- ✓ به مجموع جمله پایه، پیرو و حرف ربط وابسته‌ساز، جمله مستقل مرکب می‌گویند.

مثال

اگر او را دیدی، سلام مرا برسان.

حرف ربط وابسته‌ساز جمله پیرو جمله پایه

مطربا پرده بگردان و بزن راه عراق

پایه ۱ پایه ۲

که بدین راه بشد یار و ز ما یاد نکرد

حرف ربط پیرو ۱ پیرو ۲

به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است

پایه حرف ربط پیرو ۳

اگر چه باده فرح‌بخش و باد گل‌بیز است

حرف ربط پیرو ۱ پیرو ۲

تست

۱ کدام بیت فاقد جمله وابسته است؟

- ۱) لطف و عطا و احسان پیوسته از تو آید
 - ۲) از تنگی دهانت یک ذره گفته باشد
 - ۳) جای دل است کویت ز آنجا مران به جورش
 - ۴) تا شاهد جمالت مستور باشد از من
- جرم و خطا و عصیان از ما بود همیشه
هر ذره کو به وصفت گویا بود همیشه
بگذار تا دل من بر جا بود همیشه
اشکم میان مردم رسوا بود همیشه

پاسخ

۱- گزینه ۱: که او به وصفت گویا بود همیشه / گزینه (۳): بگذار تا دل من بر جا بود همیشه / گزینه (۴): تا شاهد جمالت مستور باشد از من

* وجود حرف ربط وابسته‌ساز «که - تا - تا» نشان‌دهنده وجود جمله وابسته (پیرو) در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) است.

جمله پایه و پیرو

حالا این فیلم رو ببین!





قضاوقدر و سرنوشت

تقدیرگرایی

وظایف رهبر نسبت به مردم

توجه رئیس و بزرگ‌تر به زیردستان

هم در سختی و هم در خوشی باهم بودن

در هنگام سختی‌ها هم کنار هم بودن نه فقط در موقع شادی

فقر

مهمان سرزده

خوشرویی با مهمان. در عین فقر و نداری

دعوت به قناعت و نفی طمع

قانع بودن به روزی تقدیرشده

به یاد داشتن و فراموش نکردن

قد بلند

کم بینایی

آبرومندانه زندگی کردن

بخشنده و دست‌ودلباز بودن در عین نداری و فقر

خوش‌زبانی

رک بودن و صراحت داشتن و رودررو گفتن

تغییر ناگهانی

بینایی پیدا کردن

تولدی دوباره

مشکوک بودن

نقشه کشیدن

خنده شدید

راستی و صداقت

اثر کردن سخن

تسلیم در مقابل خدا

خالص و بی‌ریا بودن

ترک خودی

برداشتن موانع رسیدن به معشوق

ظلم‌ستیزی

یک مفهوم ناب



حالا این فیلم رو ببین



ایات و عبارات



بخوانید و بیت معادل را بیابید.

نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس، همچون است

فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش بنمایید که هرکس نکند، مثل من است

- ۱
- A دامن گل، گشته ز دستش رها ناله و فریاد و امان می‌کند
- B با چهجه کوتاه خود تعبیرها می‌کرد / آن سیره تنها که سر بر نرده سرد قفس می‌زد

خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الجزن است

- ۲
- A ای دشمن ار تو سنگ خاره‌ای من آهنم جان من فدای خاکِ پاکِ میهنم
- B لیکن تو کیستی خود تا از وطن زنی دم؟ کز سفره اجانب، شادی به ریزه‌خواری

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

- ۳
- A گر مملکت گلستان گردد ز مردن من من مرگ خویش خواهم از پیشگاه باری
- B خوش باش در آن دم که غمی رو به تو آرد بگذار که غم نیز رود شاد ز دست

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

- ۴
- A به هرچه می‌رسد از رزق سازگاری کن که هرکه ساخت به سدّ رمق، سکندر گشت
- B جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او آن نور رویِ موسیِ عمرانم آرزوست

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

- ۵
- A از قناعت هیچ کس بی‌جان نشد از حریصی هیچ کس سلطان نشد
- B با اهل خرد باش که اصل تن تو گردی و نسیمی و غباری و دمی است

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت

- ۶
- A اگر ملک خواهی، ره عدل پوی وگر نی، ز دل آن هوس را بشوی
- B بر او باد کز حدّ خود نگذرد به‌جز راه اهل خرد نسپرد



آزمون

مبحث آزمون

زمان پیشنهادی

سطح

شماره صفحه‌های
پاسخ‌نشری

۲

کلی فارسی دهم

۱۵ دقیقه

متوسط

۳۷۶

۱) معنی دقیق کلمات (سوداگر، جولقی، ابدال، سفاقت) به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) خریدار، درویشی، نیک‌مردان، بی‌خرد
(۲) فروشنده، زنده‌پوش، مردان خدا، کم‌عقلی
(۳) مشتری، گدائیش، قدرتمندان، بی‌خردی
(۴) اهل داد و ستد، درویش، صالحان، نادان

۲) در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ معنای همهٔ واژگان درست آمده است.

- (۱) حالی آن لعل آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد (درخشان - ناخالص)
(۲) شربتی آب از آن زلال چو نوش یا به همت ببخش یا بفروش (عسل - بلندنظری)
(۳) چشم تشنه چو کرده بود تپاه آب ناداده کرد همت راه (کور - قصد)
(۴) گفت: زنهار اگرچه بد کردم در بد من نبین که خود کردم (سکوت کن - به خود بدی کردم)

۳) معنی واژگان در کدام گزینه همگی درست است؟

- (۱) (منال: درآمد مستغلات) (مایه: دارایی) (خبث: بدذاتی) (جلاجل: زنگ)
(۲) (شرافت: ارجمندی) (نیلگون: آبی روشن) (ملازم: همراه) (طرفه: عجیب)
(۳) (شیخ: کالبد) (تمایز: جدا کردن) (نثار: افشاندن) (خلنگ: علف جارو)
(۴) (عنایت: توجه) (سَخا: کرم) (بسیج: آمادگی) (لگام: زین اسب)

۴) در کدام گزینه با توجه به معنی داخل کمانک املاي واژه‌ای نادرست به کار رفته است؟

- (۱) (مرمت: اصلاح) (گسیل کردن: روانه کردن) (رقعه: نامه) (نمط: روش)
(۲) (بُر خوردن: در میان قرار گرفتن) (قیاس: سنجیدن) (مولع: حریص) (نیکومنظر: خوش‌چهره)
(۳) (زهی: آفرین) (فروغ: روشنایی) (غلغله: شور و غوغا) (خیره: بیهوده)
(۴) (آنعام: بخشش) (فضل: دانش) (ادیب: دانشمند) (غرابت: خویشاوندی)

۵) متن زیر چند نادرستی املاي دارد؟

«سلمان فارسی بر لشکری امیر بود. در میان رعایا چنان حغیر می‌نمود که وقتی خادمی به وی رسید، گفت: این توبرهٔ کاه بردار و به لشکرگاه سلمان بر. چون به لشکرگاه رسید، مردم گفتند: امیر است. آن خادم بترسید و در قدم وی افتاد. سلمان گفت: به سه وجه، این کار را از برای خودم کردم. نه از بحر تو، هیچ اندیشه مدار. اول آنکه تکبیر از من دفع شود؛ دوم آنکه دل تو خوش شود؛ سوم آنکه از عهدهٔ حفظ رعیت، بیرون آمده باشم.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) صفر

۶) در کدام گزینه مطلبی نادرست دیده می‌شود؟

- (۱) درس «سفر به بصره» بخشی از «سفرنامهٔ» حکیم ابومعین ناصر خسرو قبادیانی، سرایندهٔ قرن ششم است.
(۲) در متن «کلاس نقاشی» از کتاب «اتاق آبی» سهراب سپهری، خاطره‌ای از یک کلاس با توصیف و چاشنی طنز به صورت خاطره‌نگاری نوشته شده است.
(۳) «پیرمرد چشم ما بود» از کتاب «ارزیابی شتاب‌زده» بیان حس و حال عاطفی جلال آل احمد با زبان صمیمی دربارهٔ «علی اسفندیاری» است.
(۴) «داستان‌های صاحب‌دلان» به کوشش محمدی اشتهاوردی تدوین شده است و اثر تعلیمی با هدف آموزش و تعلیم، موضوعی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند.

۷) در همهٔ ابیات آرایهٔ اغراق به کار رفته است به‌جز

- (۱) بشد تیز رهام با خود و گبر همی گرد رزم اندر آمد به ابر
(۲) تو گفتی که روی زمین آهن است ز نیره هوا نیز در جوشن است
(۳) که لشکر فزون بود زان کاو شمرد همان ژنده پیلان و مردان گُرد
(۴) زمین برتتابد سپاه تو را نه خورشید تابان کلاه تو را

آزمون

مبحث آزمون

زمان پیشنهادی

سمع

شماره صفحه‌های
پایین دفتر معنی

۷

کلی فارسی دوازدهم

۱۵ دقیقه

متوسط

۳۸۱

۱ < معنی چند واژه نادرست آمده است؟

«دستور: وزیر) (مستغرق: شیفته) (تاب: پرتو) (بزم: ضیافت) (کمال: کامل) (محب: معشوق) (بی‌خودی: حالت از خودرستگی) (سودا: دیوانگی) (سامان: امکان) (مستمع: گوش‌دارنده)»

۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

۲ < معنی واژه «دیدار» در کدام بیت، متفاوت است؟

۱) برای دیدن دیدار دوست از دشمن
۲) بر در سلطان عشقش چون گدایان سال‌ها
۳) چشم ما روشن بود از پرتو دیدار تو
۴) دانی که چیست دولت دیدار یار دیدن

توان کشیدن اگر صد هزار الم باشد
بر امید وعده دیدار او استاده‌ایم
عید مردم دیدن مه عید ما رخسار تو
در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن

۳ < در کدام موارد اشکالی وجود ندارد؟

الف) مستعجل: شتابنده - سفله: بدسرشت

ب) ظن: پندار - قوت: نیرو

ج) موسم: بهار - صواب: مصلحت

د) نسیم: خوش‌بو - سامان: امکان

ه) داعیه: مدعی - طیلسان: نوعی ردا

۱) الف - ب - ج - ه
۲) ب - ج - ه
۳) ج - د - ه
۴) الف - ب - د

۴ < در کدام گزینه غلط املائی به کار رفته است؟

۱) عظیمت، علاج صرعیان، مقبل و خوشبخت، لطایف الطوائف
۲) جامه و طرار، جذبه اسرارآمیز، لگام زرتین، قره قورم و تاتار
۳) تضرع آمیز، اشباح شب، نقاب حزن‌انگیز ظلمت، وضع موحش
۴) حالت غریب، مه غلیظ، جرأت و جسارت، کارگزاران حکومت

۵ < در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

۱) صبا به عزم بشارت به گرد شهر سبا
۲) به رغم مدعیان در فراق او هر کس
۳) سفر اندر حذر کردن چنین است
۴) مشو چون خسان سخره حرص و آز

ز پای تخت سلیمان کامکار آمد
بپرسدم که خوشی، گویمش که آری خوش
سفر از خود به خود کردن همین است
به چیزی که امروز داری بساز

۶ < آثار زیر به ترتیب از چه کسانی است؟

«مثل درخت در شب باران - از پاریز تا پاریس - تذکرة الاولیاء - کویر»

۱) محمدرضا شفیعی کدکنی - محمد بهمن بیگی - عین القضاة همدانی - علی شریعتی

۲) محمدرضا شفیعی کدکنی - باستانی پاریزی - شهاب‌الدین سهروردی - محمد بهمن بیگی

۳) م. سرشک - محمد ابراهیم باستانی - عطار - علی شریعتی

۴) م. سرشک - محمد ابراهیم باستانی - سنایی - محمد بهمن بیگی



شماره صفحه‌های
بسیخ تشریحی

۴۲۷

سفر

دشوار

زمان پیشنهادی

۱۸ دقیقه

مبحث آزمون

کلی کنکوری

آزمون

۴۴

- ۱) معنای واژه‌های «مرشد، سرسام، شریعت، حمیت» در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) پیشوا، پریشانی، طریقت، غیرت
 (۲) سالک، هذیان، آیین، مردانگی
 (۳) راهنما، ورم مغز، راه دین، جوانمردی
 (۴) ارشادکننده، سرگیجه، شرع، پشتکار
- ۲) معنای چند واژه نادرست آمده است؟
 «خطابه: وعظ کردن / قربان: صدقه / بیغوله: بیابان / اعظم: بزرگوارتر / دولت: دارایی / غارب: بالای کمر / انهار: جوی‌ها / عامل: حاکم / محنت: غم / رندانه: عاقلانه / دهش: بخشش»
 (۱) سه
 (۲) دو
 (۳) چهار
 (۴) یک
- ۳) «تجريد» در کدام معنی نیست؟
 (۱) تحقق بنده به حق به طوری که حق، عین قوای بنده باشد.
 (۲) ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند
 (۳) تنهایی گزیدن
 (۴) خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست
- ۴) در کدام گزینه غلط املایی یافت می‌شود؟
 (۱) زان که شاه حازمان آمد دلش
 (۲) عقل تو دستور مغلوب هواست
 (۳) من مرغ زبون دام انسم
 (۴) ز کوی میکده برگشته‌ام ز راه خطا
 تا گلستان و چمن شد منزلش
 در وجودت رهزن راه خداست
 هر چند که می‌کشی پرم نیست
 مرا دگر ز کرم با ره ثواب انداز
- ۵) در متن «زندگانی خداوند دراز باد در بزرگی و دولت و نصرت و رسیدن به آمل در دنیا و آخرت و غزای ایزد عزوجل چنان رود که وی خواهد و گوید نه چنان که مراد آدمی در آن باشد، گردش قدر و حکم او راست و هرچه خداوند اندیشیده است همه فریضه است و عین ثواب»، چند غلط املایی یافت می‌شود؟
 (۱) یک
 (۲) دو
 (۳) سه
 (۴) چهار
- ۶) نام نویسندگان آثار «مرصادالعباد، در امواج سند، زندان موصل، عباس میرزا آغازگری تنها» در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) نجم‌الدین رازی، رهی معیری، اصغر رباط‌جزی، جلال متینی
 (۲) دایه، مهدی حمیدی شیرازی، جواد کامور بخشایش، مجید واعظی
 (۳) نجم‌الدین رازی، رهی معیری، اصغر رباط‌جزی، مجید واعظی
 (۴) دایه، مهدی حمیدی شیرازی، جواد کامور بخشایش، جلال متینی
- ۷) در بیت «ای هد هد صبا، به سبا می‌فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت»
 (۱) آرایه شخصیت‌بخشی وجود دارد و «هدهد» مشبّه تشبیه است.
 (۲) آرایه شخصیت‌بخشی وجود دارد و «صبا» مشبّه تشبیه است.
 (۳) آرایه شخصیت‌بخشی وجود ندارد و «هدهد» مشبّه تشبیه است.
 (۴) آرایه شخصیت‌بخشی وجود ندارد و «صبا» مشبّه تشبیه است.
- ۸) ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های «ایهام، استعاره، حسن تعلیل و جناس» کدام است؟
 الف) اگر ز درد اسیران خویشتن نشد آگه
 ب) جامه‌دران رسید گل از بهر داد ما
 ج) جان دهم من هر شبی چون شمع باد صبح دم
 د) شبی را با من ای ماه سحرخیزان سحر کردی
 (۱) ج، د، ب، الف
 (۲) ب، ج، د، الف
 (۳) ب، ج، الف، د
 (۴) الف، د، ب، ج

۱۰) گزینه ۲ تشبیه بیت اول: «برگ درختان» به «ورق» مانند شده است.

کنایه بیت چهارم: «گرم کاری بودن» کنایه از «مشغول کاری بودن» است. تکرار بیت پنجم: کلمه «آزاد» تکرار شده است. در ابیات دوم و سوم، به ترتیب «تضاد» و «شخصیت‌بخشی» به کار نرفته است.

۱۱) گزینه ۲ ایهام تناسب ← بیت ج: «چین» که در معنی پیچ و تاب قابل قبول است و در معنی کشور چین با سفر دراز ارتباط معنایی دارد. جناس ← بیت «الف»: چمان و چمن ← چمن و سمن - من و چمن - من و سمن

تشبیه ← بیت «د»: کمان ابرو ← ابرو به کمان تشبیه شده کنایه ← بیت «ب»: پرده‌در شود ← آشکار کند

۱۲) گزینه ۱ در بیت صورت سؤال می‌خوانیم: «اگر نور عشق حق به دل و جانت بیفتد، به خدا سوگند که از آفتاب فلک هم خوب‌تر می‌شوی». واضح است که «بیفتد» به دلیل آنکه حالت شرط دارد. مضارع التزامی و «می‌شوی» مضارع اخباری است که برای بیان کاری در آینده به کار رفته است.

۱۳) گزینه ۴ [آن‌ها حذف به قرینه لفظی] به اعتقاد خود سوگند می‌خوردند که این، یوسف ثانی است که (او را: لفظی) باز آوردند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: (من: لفظی) به خاک پای تو و نور دیده حافظ سوگند (می‌خورم: معنوی) که (من: لفظی) بی‌رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم. گزینه ۲: (من: لفظی) به آن روی تو هستی تو سوگند (می‌خورم: معنی) اگر (من: لفظی) این پستی تو را از تو نمی‌دانم. گزینه ۳: (من: لفظی) به آن دم که (آن‌ها: لفظی) مرا با یک دست پیمان‌ه و با دستی در دستش می‌دیدند، سوگند (می‌خورم: معنوی).

قلم‌چی - ۹۴

۱۴) گزینه ۴ هرگز از دور زمان ننالیدم (سه‌جزئی گذرا به متمم)، وقتی پایم برهنه مانده بود (سه‌جزئی گذرا به مسند) به جامع کوفه درآمد (دوجزئی)، پای نداشت (سه‌جزئی گذرا به مفعول) نکات فعل «ماندن»: ۱- اگر به معنای باقی ماندن، بر جای ماندن باشد: ناگذر. (آشنایی در کوچه و محله نماند). ۲- اگر به معنای اقامت کردن، گیر کردن باشد: گذرا به متمم (در) / دوستم چند روز در شهر ما ماند، پایم در لای در ماند. ۳- اگر در معنای مانند بودن باشد: گذرا به متمم (به) / من بیشتر به پدرم می‌مانم.

۴- اگر در معنای بودن در حالی باشد، اگر به جای صورت مجهول «گذاشتن» به کار رود: گذرا به مسند / من در مغازه دست تنها ماندم.

۱۵) گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: تماشا (با هم راه رفتن، دیدن) گزینه ۳: شد (فعل اسنادی، رفت) گزینه ۴: سوگند (گوگرد، قسم)

۱۶) گزینه ۳ نوع «را» در تمام گزینه‌ها، نقش نمای مفعولی است، در حالی که در گزینه ۳) فک اضافه است.

مرا که نقد دل و دین برفت در سر می: دل و دین من، در سر می‌رفت.

۱۷) گزینه ۴ در بیت گزینه ۴) نیز مثل بیت صورت سؤال به این نکته اشاره شده است که از کسی که عاشق حقیقی است، صدایی بیرون نمی‌آید. آنکه حقیقتاً در معشوق فنا شده است، دیگر نایی ندارد.

قلم‌چی - ۹۷

۱۸) گزینه ۳ مفهوم مشترک ← تحمل سختی‌های راه عشق

مفهوم گزینه ۳): بی‌کرانگی عشق

۱۹) گزینه ۱ همگی معتقدند که گاه توانایی‌ها و خصلت‌های خاص موجب آسیب دیدن ما از همان‌هاست.

۲۰) گزینه ۴ وَالصَّافَاتِ صَفًا: سوگند به صف‌بستگان که صفی (با شکوه) بسته‌اند، سوگند به فرشتگان صف‌بسته.

۲۱) گزینه ۴ گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) همه مفهوم «از کوزه همان برون تراود که در اوست» را تداعی می‌کند، ولی در گزینه ۴) شاعر معتقد است بیش از گنجایش هر چیز نمی‌توان از او انتظار داشت.

۲۲) گزینه ۳ مفهوم عبارت این است که تمام کارهایی که از سوی اعضای بدن یا عناصر چهارگانه انجام می‌گیرد، انجام‌دهنده آن‌ها فقط خداوند است که دقیقاً این مفهوم در گزینه ۳) هست (کمان = ارکان، کماندار = یزدان)

گزینه ۱): لازمه دوستی با خدا، رهایی از غرور است.

گزینه ۲): روزی‌دهنده اصلی خداست و تمام پدیده‌ها واسطه‌اند.

گزینه ۴): انجام گناهان بنده‌ها در حقیقت تقدیر و قضای الهی است.

۲۳) گزینه ۴ مفهوم مشترک سایر ابیات در عشق و وصال محبوب، عاشق از خودی خود و از وجود خویش باید دست بکشد و محو شود!

۲۴) گزینه ۲ مفهوم سایر ابیات، گوشه‌گیری است، به عبارتی عزلت را موجب عزت می‌داند، ولی بیت دوم، انزوایی را که موجب شهرت شود، خوشایند نمی‌داند.

۲۵) گزینه ۳ در گزینه ۳): شیفتگی دل، به زلف یار مطرح شده و این مضمون بیان شده که زلف یار اسیرکننده دل عاشق است، اما در ۳ گزینه دیگر از شیفتگی به ابروی یار سخن به میان آمده است.

پاسخ آزمون ۴۱

۱) گزینه ۱ گرده: پشت و بالای کمر معنا می‌دهد.

۲) گزینه ۲ معنای درست واژه‌ها:

ج) دوال: چرم و پوست؛ یک دوال: یک لایه، یک پاره

ها) پرورده: پرورش‌یافته

ز) چاره‌گری: مصلحت‌اندیشی

قلم‌چی - ۹۶

آزمون شماره ۲۱

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.
۱۱.
۱۲.
۱۳.
۱۴.
۱۵.
۱۶.
۱۷.
۱۸.
۱۹.
۲۰.
۲۱.
۲۲.
۲۳.
۲۴.
۲۵.

تعداد درست:
تعداد غلط:
تعداد نزده:
درصد:
تاریخ آزمون:
اشکالات مهم:

آزمون شماره ۲۲

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.
۱۱.
۱۲.
۱۳.
۱۴.
۱۵.
۱۶.
۱۷.
۱۸.
۱۹.
۲۰.
۲۱.
۲۲.
۲۳.
۲۴.
۲۵.

تعداد درست:
تعداد غلط:
تعداد نزده:
درصد:
تاریخ آزمون:
اشکالات مهم:

آزمون شماره ۲۳

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.
۱۱.
۱۲.
۱۳.
۱۴.
۱۵.
۱۶.
۱۷.
۱۸.
۱۹.
۲۰.
۲۱.
۲۲.
۲۳.
۲۴.
۲۵.

تعداد درست:
تعداد غلط:
تعداد نزده:
درصد:
تاریخ آزمون:
اشکالات مهم:

آزمون شماره ۲۴

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.
۱۱.
۱۲.
۱۳.
۱۴.
۱۵.
۱۶.
۱۷.
۱۸.
۱۹.
۲۰.
۲۱.
۲۲.
۲۳.
۲۴.
۲۵.

تعداد درست:
تعداد غلط:
تعداد نزده:
درصد:
تاریخ آزمون:
اشکالات مهم: